

ارتباط هوش معنوی و الگوی دل‌بستگی با پرخاشگری

دبیره ایران نژاد



انتشارات رازنهان

۱۳۹۶

سرشناسه	: ایران نژاد، صدیقه، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: ارتباط هوش معنوی و الگوی دلبستگی با پرخاشگری / صدیقه ایران نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: راز نهان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۱۴۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دلبستگی در کودکان
موضوع	: Attachment behavior in children
موضوع	: هوش
موضوع	: Intellect
موضوع	: هوش معنوی
موضوع	: Spiritual intelligence
موضوع	: دلبستگی
موضوع	: Attachment behavior
موضوع	: پرخاشگری در کودکان
موضوع	: Aggressiveness in children
رده بندی کنگره	: ۵۷۲.۳۴ ۱۳۹ الف۸د/
رده بندی دیویی	: ۱۵۳/
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۳۰۰۵

آدرس: میدان انقلاب، اول چال زادن جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲ شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۲۳۰۲۶۹ آدرس الکترونیکی: raznahanbook.com آدرس سایت: www.raznahanbook.com	
---	--

عنوان کتاب	: ارتباط هوش معنوی و الگوی دلبستگی با پرخاشگری
مؤلف	: صدیقه ایران نژاد
صفحه آرا	: مریم رحیمی
طراح جلد	: رضا کاوه
ناشر	: رازنهان
شمارگان	: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	: اول ۱۳۹۶
قیمت	: ۱۸۵۰۰ تومان

ISBN: : ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۱۴۶-۵

فهرست مطالب

۱۴	پیشگفتار.....
۲۰	مقدمه.....
۲۲	فصل اول کلیات مفهوم هوش.....
۲۴	سابقه تاریخی هوش و آزمون‌های روانی.....
۳۰	هوش چندگانه.....
۳۲	وجوه هوش به عنوان ابزار خلاقیت.....
۳۳	هوش شناختی و هوش هیجانی.....
۳۴	مفهوم تیزهوشی.....
۳۶	رشد هوش معنوی.....
۳۸	هوش معنوی و سلامت روانی.....
۴۰	فصل دوم بررسی دیدگاه‌های هوش.....
۴۰	دیدگاه‌های هوش.....
۴۰	دیدگاه مؤلفه‌ای.....
۴۲	دیدگاه دو عاملی.....

۴۲	دیدگاه چند عاملی
۴۳	دیدگاه مرتبه‌ای
۴۴	دیدگاه شناختی
۴۵	مقایسه هوش معنوی با هوش های دیگر
۵۲	فصل سوم مفهوم هوش معنوی
۵۲	مفهوم هوشبهر
۵۴	سن زمان
۵۵	مؤلفه‌های هوش معنوی در اسلام
۵۸	هوش معنوی
۶۱	هوش معنوی راز واقعی
۶۴	فصل چهارم کلیات نظام دل‌بستگی و مدیریت پرخاشگری
۶۴	نظریه دل‌بستگی
۶۷	مبنای نظری دل‌بستگی
۶۷	اساس زیستی نظریه دل‌بستگی
۶۸	ارتباط نظریه دل‌بستگی با نظریات دیگر
۷۰	دل‌بستگی در بزرگسالی
۷۲	عشق و دل‌بستگی
۷۴	ویژگی‌های دل‌بستگی
۷۵	دل‌بستگی در طول زندگی
۷۶	دل‌بستگی مطمئن
۷۶	ویژگی‌های دل‌بستگی مطمئن
۷۷	دل‌بستگی دوسوگرا

۷۸	ویژگی‌های دلبستگی دوسوگرا.....
۷۹	دلبستگی اجتنابی.....
۷۹	ویژگی‌های دلبستگی اجتنابی.....
۸۰	دلبستگی سازمان نیافته.....
۸۰	ویژگی‌های دلبستگی سازمان نیافته.....
۸۱	بررسی الگوهای فعال درونی بر روی سبک‌های دلبستگی.....
۸۳	باورهای مربوط به پرخاشگری.....
۸۴	مقابله با رفتار پرخاشگرانه.....
۸۴	آموزش مدیریت احساسات.....
۸۶	نظریه‌های مربوط به خشونت.....
۸۶	نظریه یادگیری اجتماعی.....
۸۷	نظریه کنترل اجتماعی.....
۸۸	نظریه فشار.....
۸۹	نظریه منابع.....
۸۹	نظریه مبادله.....
۸۹	نظریه اکولوژیکی.....
۸۹	تئوری تعاملی تورن بری.....
۹۰	رهیافت فعالیت روزمره.....
۹۰	مدل توسعه اجتماعی.....
۹۲	کلام پایانی.....
۹۶	منابع.....

پیشگفتار

مفهوم هوش دارای تعاریف گوناگون و مختلفی می باشد. در یک تعریف نسبتاً جامع، هوش را می توان عرفیت یادگیری، تمامیت دانش کسب شده و توانایی سازش یافتگی با محیط دانست. در طی دهه اخیر، نظریه پردازان و صاحب نظران در باب یادگیری و هوش به این نتیجه رسیده اند که علاوه بر دو هوش کلی^۱ و هوش هیجانی^۲ جنبه دیگری از هوش هم وجود دارد که کاملاً منحصراً به فرد و انسانی است. در واقع امروز گفته می شود که (آی کیو) و (ای کیو) پاسخگوی همه چیز نبوده و واقعا موثر نیستند. بلکه انسان به عامل دیگری نیازمند است که هوش معنوی^۳ به آن اضافه (اس کیو) نامیده می شود. (باقری و همکاران^۴، ۲۰۱۶: ۴۴). هوش معنوی بیانگر مجرمان از توانایی ها، ظرفیت ها و منابع معنوی می باشد که کاربست آن ها در زندگی روزانه می تواند موجب افزایش انطباق پذیری فرد شود. در تعریف های موجود از هوش معنوی، به ویژه به نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است. (امرام^۵، ۲۰۱۴: ۸۷).

وست^۶ (۱۳۸۳) بر این باور است که افراد دارای زندگی معنوی، بدون شک از نظر روان شناختی افراد سالمی هستند از دیدگاه (بارون و بارکر^۷، ۲۰۱۶: ۱۹) هوش معنوی یکپارچه

1- IQ

2- Emotional intelligence

3- Spiritual intelligence

4 - Bagheri F & ctal

5- Gardner

6 - west

7 - Baron , R.& Parker ,J

کننده زندگی درونی و معنوی با زندگی بیرونی و محیط کار است و می توان گفت که هوش معنوی مکانیسمی است که توسط آن کیفیت زندگی افراد، بهبود می یابد. از دیدگاه او هوش معنوی برای شناسایی انتخاب هایی که در بهزیستی روان شناختی و رشد سلامتی کل بشر نقش دارند، امری لازم است (وگان، ۲۰۰۲) نتیجه کتاب واگان با مطالعات کینگ (۲۰۰۸) و (محمدی زاده، ۱۳۹۴: ۲۲) همخوانی دارد در این مطالعات، هوش معنوی با افسردگی، پرخاشگری، خصومت، اضطراب و خودفریبی رابطه منفی نشان داد. همچنین هوش معنوی با صفات خلقی، حساسیت اجتماعی، رضایت زندگی، انرژی و فعالیت رابطه مثبت داشت (امینی، ۱۳۰۳: ۱۸). و از جمله مهم ترین عواملی که تعیین کننده شخصیت فرد در بزرگسالی است، رابطه او با مراقب یا مادرش است وجود یا عدم وجود این رابطه و هم چنین چگونگی و کیفیت این رابطه بین نوزاد و مراقب او مورد توجه بسیاری از روانکاران و روانشناسانی نظیر فروید، لانی کلاین، سالیوان، اریکسون و بولی قرار گرفته است؛ که در این بین بولی به طور مسلم و منسجم به مطالعه و بررسی این رابطه تحت عنوان دلبستگی پرداخته است. و اینک دلبستگی مفهومی است که ریشه در کارهای کردار شناسان دارد و دارای بار مفهومی روان تحلیلی گرایانه نیز است. (جبرایی، ۱۳۹۲: ۴۴) و بولی تاکید می کند که هیجان ها جزء اساسی دلبستگی هستند و نیز کودکان با سبک دلبستگی ایمنی دارای تجارب سرشار از ایمنی و به دور از اضطراب هستند و در مقابل، کودکان با سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دو سوگرا) دنیا را محیط ناامن و استرس زا تصور کرده و توانایی موثر و سازنده با مشکلات و موقعیت های تنش زا را ندارند. (آناستازی، ۱۳۹۳: ۲۷). و به طور کلی کودکان با سبک دلبستگی ایمن خواهان تماس و همکاری و رفتار چسبندگی به مراقب خود بوده و در حضور او احساس راحتی می کنند. کودکان با سبک دلبستگی اجتنابی از این که به رابطه دوسویه با مراقب خویش بپردازند اجتناب کرده و رفتاری حاکی از عدم راحتی نشان می دهند. در نهایت کودکان با سبک دلبستگی نایمن دو سوگرا رفتار متعارض با مراقب خویش نشان می دهند، که از یک طرف خواهان گرانش

به مراقب و تعامل با او بوده و از سوی دیگر خواستار گریز یا اجتناب از او هستند. به طور کلی می‌توان گفت که یکی از عوامل شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی کیفیت دلبستگی در زمان کودکی فرد می‌باشد. (بینه و سیمون^۱، ۱۳۹۴: ۵۹). و این که پرخاشگری یک رفتاری است که ریشه در ذات و فطرت انسان و پرخاشگری به عنوان یک نیروی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است که به تدریج در شخص متراکم و فشرده می‌شود و سرانجام نیاز به تخلیه پیدا می‌کند. که اگر چنین انرژی به شکل مطلوب و صحیح مثلاً در طرق ورزشی و بازی‌ها تخلیه شود جنبه سازندگی خواهد داشت. در غیر اینصورت به گونه‌ای تخریب می‌شود که مخرب خواهد بود و ممکن است اعمالی از قبیل قتل، ضرب و شتم، تخریب و زنی و... را در برداشته باشد. (بهروزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰) از نظر فروید پرخاشگری در انسان نمایانگر غریزه مرگ است که در مقابل غریزه زندگی در فعالیت است. یعنی همچنان که غریزه زندگی را در جهت ارضای نیازها و حفظ هدایت می‌کند غریزه مرگ به صورت پرخاشگری می‌کودند. نابود کردن و تخریب کردن پیردازد این غریزه چنانچه بتواند دیگران را نابود می‌کند و از بین می‌برد و اگر نتواند دیگران را هدف پرخاشگری و تخریب خود قرار دهد به جانب خود متوجه شده و به صورت خودآزاری و خودکشی جلوه گر می‌شود. بنابراین از نظر فروید پرخاشگری حالتی مخرب و منفی دارد. (احسانی، ۱۳۹۵: ۳۹). از این رو مسئله اصلی این کتاب بررسی هوش معنوی و دلبستگی با پرخاشگری کودکان نگهداری شده در مراکز بهزیستی کرمان می‌باشد.

طرح موضوع معنویت و مذهب، به ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود. که یکی از این ضرورت‌ها در عرصه‌ی انسان‌شناسی، توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان، به ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می‌کند. و ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره‌ی کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه، هم چنین گستره‌ی معنویت و مذهب در همه‌ی زوایای زندگی

انسان و نیز لزوم ارزیابی مجدد نقش مذهب در بهداشت روانی است. کتاب درباره‌ی معنویت امروزه در رشته‌های متنوعی از قبیل پزشکی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، عصب‌شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است. در راستای این جهت‌گیری معنوی و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مولفه‌های روان‌شناختی، هوش معنوی مطرح شده است. (صداقت، ۱۳۹۵: ۲۲).

تعاریف متعددی تا کنون از هوش معنوی به عنوان یکی از انواع هوش چندگانه مطرح شده است. مونز^۱ (۲۰۰۰) تلاش کرد که معنویت را براساس تعریف گاردنر از هوش مطرح نمایی معتقد است معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد و سازگاری فرد مثلاً سلامت بیشتر را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به بر موانع بپردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشند. هوش معنوی به ما اجازه کامل ترین قیمت‌های میان فردی و درون فردی را برای پیشه گرفتن از فاصله ما بین خویش و دیگران را می‌دهد. می‌تواند توسط راه‌های مختلفی افزایش یابد (زهر و مارشال^۲، ۲۰۰۰). از طرف دیگر هوش معنوی چیزی است که برای پیشرفت اشتیاق و آرزوهایمان همچنین ظرفیت معنایی، بینشی و ارزشی خود از آن استفاده می‌کنیم. و (اس کیو) گفتگو ما بین عقل و احساس را آسان می‌کند. (مردانی، ۱۳۹۴: ۳۲).

از طرف دیگر نظریه دلبستگی به عنوان یکی از گسترده‌ترین و بنیادین‌ترین نظریه‌های روان‌شناسی، ابعاد بسیار متفاوتی پیدا کرده است. اگر تا پیش از این مادر فقط نقش تربیتی و پرورشی و تغذیه‌ای برای کودک داشت، با مطرح شدن این نظریه مشخص شد، انسان تا چه اندازه شخصیت خود را به مادر مدیون است. و اینکه موجودات انسانی با سیستم دلبستگی متولد می‌شوند، که به منظور حفظ و نگهداری مجاورت با افرادی که در موقعیت‌های استرس‌آور مهم هستند کار می‌کنند. این سیستم کارکرد اساسی تنظیم را انجام می‌دهد و در رفتارهایی نظیر جستجو کردن حمایت، آشکار می‌شود. و تجربیات اولیه‌ی

1 - Emmones

2 - Zoher& Marshal

کودک - مادر، بازنمایی کودک از خود و اهمیت دیگران را شکل می‌دهند که این‌ها در تمام گستره‌ی زندگی فعال باقی می‌مانند. (خدابخش، ۱۳۹۵: ۱۴).

و از طرفی کودکانی که وارد پرورشگاه می‌شوند اغلب جدایی از پدر و مادر را به صورت مستقیم و غیر مستقیم تجربه می‌کنند. که این بچه‌ها خطر پذیری بالایی برای انواع مشکلات رفتاری، روانشناختی و اجتماعی پیدا می‌کند و تاریخچه‌ی مراقبت نامطلوب همراه با عوامل خطرزای بیولوژیکی، در نقص و کمبودهای روانشناختی کودکانی که مراقبت از آن‌ها شامل مشکلاتی در صمیمیت، پرخاشگری و سطح پایین عزت نفس است سهمیم است. نظریه دلبستگی اولین مدلی را که مبتنی بر روابط بین کودک و چهره‌های دلبستگی است، تشریح می‌کند. تجربیات آغازین با مراقب اولیه تعیین می‌کند، چگونه کودک خود را در ارتباط با دیگران می‌فهمد.

و اینکه کتابات دلبستگی هم اکنون توجه خود را بر روی ارتباط کودک - پدر و مادر، در طی مراحل بعدی زندگی معطوف کرده است. و کتابات مبتنی بر نظریه دلبستگی به طور هماهنگ یافته‌های نیرومندی را تولید کرده‌اند که اثبات می‌کنند، دسترسی عاطفی به سوی دیگران به طور معناداری با تجربیات دلبستگی اولیه پیوند یافته است. از طرفی دلبستگی به عنوان پیوند عاطفی عمیقی که کودک با یک فرد خاص شکل می‌دهد، و افرادی که کودک در زمان استرس و درماندگی به آنها نزدیک می‌شود، تعریف شده است که ارتباطات دلبستگی یک پایگاه ایمن برای کودک فراهم می‌کنند و آنها را در اکتشاف، گسترش و به دست آوری استقلال کمک می‌کنند. و رفتارهای دلبستگی به سبب تهدیدهای محیطی، درماندگی، بیماری یا خستگی برانگیخته می‌شوند و به عنوان هر شکلی از رفتار که در نتیجه‌ی دوباره به دست آوردن اشخاص یا باقی ماندن تماس با اشکال دلبستگی است تعریف شده است. (حق شناس و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶).